

ایرانی‌ها فراموش نکنند آمریکا همچنان «دشمن» است

پائول کریگ رابرتز، اقتصاددان و معاون اسبق وزارت خزانه‌داری آمریکا در دولت رونالد ریگان بود که توانست در مدت فعالیت خود، با موفقیت با بحران رکورد تورمی آمریکا در دهه 80 مقابله کند.



پائول کریگ رابرتز، اقتصاددان و معاون اسبق وزارت خزانه‌داری آمریکا در دولت رونالد ریگان بود که توانست در مدت فعالیت خود، با موفقیت با بحران رکورد تورمی آمریکا در دهه 80 مقابله کند.

رابرتز همچنین مدال افتخار خزانه‌داری آمریکا را به دلیل کمک‌هایش به تدوین سیاست اقتصادی ایالات متحده دریافت کرده است. او دبیر و ستون‌زن نویس سابق نشریاتی همچون وال‌استریت ژورنال، بلومبرگ و بیزنس‌ویک نیز بوده است. با او درباره سیاست‌های ضد ایرانی ترامپ گفت‌وگو کرده‌ایم.

بحث‌های زیادی درباره ابعاد فنی، سیاسی و اقتصادی توافق هسته‌ای ایران و گروه 5+1 شده است. با اقدامات اخیر دولت آمریکا و تهدیدات مکرر ترامپ علیه برجام، سرنوشت این توافق مهم نیز دچار ابهام شده است. مواضع اروپایی‌ها نیز چندان باثبات نیست، آنها از یکسو در رسانه‌ها با اظهارات ترامپ علیه برجام مخالفت می‌کنند و تاکید دارند که باید به برجام پایبند ماند و از سوی دیگر گفته‌های دولت آمریکا درباره لزوم فشار به ایران در حوزه‌های موشکی و منطقه‌ای را نیز تائید می‌کنند. برداشت شما از این شرایط چیست؟ آمریکا چه انتظار و هدفی از برجام داشته که اکنون ناراضی است؟

جنرال‌های رسانه‌ای درباره ترامپ و توافق هسته‌ای ایران بیش از حد شده است. همان‌طور که اشاره کردید، فدریکا موگرینی، مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا گفته است که برجام یک توافق دوجانبه نیست و یک کشور به تنهایی نمی‌تواند آن را خاتمه دهد. انگلیس، فرانسه و آلمان هم در بیانیه مشترکی گفته‌اند که این توافق به سود امنیت ملی آنهاست و همه طرف‌ها باید آن را به‌طور کامل اجرا کنند. از سوی دیگر ترامپ، پایبندی ایران به توافق هسته‌ای را تائید نکرده و اکنون این کنگره است که باید طرف 60 روز درخصوص برجام تصمیم بگیرد. این در حالی است که ناظران و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی پایبندی ایران به توافق هسته‌ای را تائید کرده‌اند، اما حقیقت این است که لابی اسرائیل در پشت پرده تصمیم ترامپ درخصوص توافق هسته‌ای با ایران قرار دارد. داماد او یک یهودی است و ترامپ نیز با اسرائیل هماهنگ است. اسرائیل نیز به دنبال بی‌ثبات‌سازی ایران و سوریه است. زیرا این دو کشور از حزب‌الله لبنان پشتیبانی می‌کنند و حزب‌الله نیز تاکنون دو بار توانسته مانع اشغال جنوب لبنان از سوی اسرائیل شود. اسرائیل به دلیل منابع آبی جنوب لبنان، به این منطقه نیاز دارد و می‌کوشد آن را اشغال کند.

حال اگر سوریه و ایران بی‌ثبات شوند، پشتیبانی مالی و نظامی حزب‌الله نیز از دست می‌رود. به همین خاطر است که اسرائیل می‌کوشد تا از قدرت نظامی آمریکا برای سرنگونی کشورهایی استفاده کند که در مقابل توسعه‌طلبی اسرائیل ایستاده‌اند. بنابراین شکل‌گیری پرونده هسته‌ای ایران در واقع به خاطر همین مسائل ژئوپلیتیکی بوده است.

پس شما هم معتقدید که طرح نگرانی‌ها درخصوص گام برداشتن ایران به سمت ساخت تسلیحات هسته‌ای، بهانه بوده و ریشه‌های واقعی‌تر ندارد؟

حقیقت این است که هیچ‌کسی در درون دولت آمریکا واقعاً فکر نمی‌کند و نمی‌کند که ایران به دنبال ساخت سلاح هسته‌ای بوده یا باشد. بهانه نگرانی از ساخت سلاح هسته‌ای توسط ایران، تنها پوششی بود برای شکل‌گیری تلاش‌ها برای بی‌ثبات‌سازی ایران و در نتیجه، منفعت بردن اسرائیل.

اما برخی در ایران معتقدند اقدامات ضدایرانی و فشارهای غرب و به‌طور خاص آمریکا علیه این کشور در واقع به دلیل نگرانی‌ها و سوءتفاهم‌های آنها نسبت به برخی رفتارها و سیاست‌های جمهوری اسلامی است و اگر ایران برای حل این سوءتفاهم‌ها بکوشد و با آمریکا تعامل داشته باشد، می‌تواند تنش میان دو کشور را کاهش داده و فضا را تلطیف کند.

به نظر من، ایرانی‌ها باید متوجه باشند و درک کنند که آمریکا دشمن آنهاست و تا زمانی که لابی قدرتمند اسرائیل همچنان در واشنگتن حضور داشته باشد، ایالات متحده دشمن ایران خواهد ماند. هیچ چیز دیگری جز قدرت لابی اسرائیل در این مساله اثرگذار نیست و از طرق دیگر نمی‌توان این حقیقت را تغییر داد.

ولی ما اکنون در توافقی وارد شده‌ایم که آمریکا نیز جزئی از آن است...

در شرایط کنونی توافق هسته‌ای، ایران باید آمریکا را نادیده بگیرد و از آن دست بشوید و به دنبال تقویت روابط خود با روسیه و چین از یک‌سو و از سوی دیگر با دولت‌های انگلیس، آلمان و فرانسه باشد. افسار واشنگتن در دست اسرائیل است و ایران نباید به خاطر منازعه و مساله پیش آمده دچار یاس و ناامیدی شود.

اروپایی‌ها بشدت از لحاظ اقتصادی و سیاسی به آمریکا وابسته هستند و این نگرانی وجود دارد که بدون حضور آمریکا، اروپایی‌ها نیز تمایلی به همکاری با ایران

نداشته باشند یا اصلاً توان تحمل فشارهای آمریکا را نداشته باشند. این تحلیل در ایران وجود دارد و ما در گفت‌وگوهای دیگرمان نیز به آن پرداخته‌ایم؛ این که آمریکا به برخی دوستان اروپایی خود مثل فرانسه و انگلیس اجازه می‌دهد تا حدی از منافع مالی برجام استفاده کنند، اما از سوی دیگر با استفاده از اهرم وابستگی نظام مالی جهان به ایالات متحده، می‌کوشد این روابط محدود باعث قدرت گرفتن ایران نشود.

بله، نکته دیگری نیز وجود دارد و آن قدرت واشنگتن در همراه کردن کشورهای دیگر با خود است؛ تنها دلیلی هم که آمریکا را به چنین قدرتی رسانده، تسلیم شدن و همراهی احمقانه کشورهای دیگر با ساز و کار امپریالیستی دلار آمریکاست. همه کشورها از دلار به عنوان پول جهانی استفاده می‌کنند و تبادلات مالی خود را نیز با ساز و کار غربی سوئیفت انجام می‌دهند و همین مساله است که به واشنگتن قدرت اثرگذاری بر روابط بین‌الملل را می‌دهد.

به عنوان سوال آخر، ایران به دلیل تحریم‌ها، وابستگی چندانی به نظام مالی آمریکا ندارد، هرچند برخی در ایران راه حل مشکلات اقتصادی کشورمان را بهره‌گیری از آموزه‌های اقتصاد لیبرالی می‌دانند. شما نقش عمده‌ای در شکل‌دهی سیاست‌های اقتصادی آمریکا داشتید و در دوران مسئولیت خود نیز آمریکا را از بحران رکود تورمی نجات دادید. اکنون پیشنهاد شما برای اقتصاد ایران چیست؟

به نظر می‌رسد ایران هم در مسیر مهلك اندیشه اقتصاد نئولیبرالیسم گام برداشته است و اقتصاددان‌های ایرانی باید راهی برای فرار از این مسیر پیدا کنند. من هم در کتابم با عنوان «شکست سرمایه‌داری لسه فر و از هم پاشیدگی اقتصادی غرب»؛ کوشیدم تا تصویری متفاوت از حقیقت نئولیبرالیسم ارائه و مشکلات آن را بیان کنم. ذات نئولیبرالیسم فرساینده است و با اقتصادی که به دنبال رشد فزاینده باشد، سازگاری ندارد.

سیدمجتبی موسوی

جام‌وZWNJج‌م